

فعالیت‌های فوق‌برنامه دانشجویان و گرایش به تفکر انتقادی و مهارت‌های حل مسئله در آنها^۱

محسن باقری^۲
افسانه حمزه‌ئی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر فعالیت‌های فوق‌برنامه بر گرایش به تفکر انتقادی و مهارت‌های حل مسئله دانشجویان با روش توصیفی (علی-مقایسه‌ای) انجام گرفت. جامعه آماری این مطالعه، شامل تمامی دانشجویان دانشگاه اراک در دانشکده‌های علوم انسانی، فنی مهندسی، علوم پایه و کشاورزی به تعداد ۷۲۰۰ نفر در نیمسال تحصیلی ۹۵-۹۴ بود. با مراجعه به سوابق دانشجویان تعداد ۱۰۰ نفر از دانشجویانی که دارای مشارکت مستمر در فعالیت فوق‌برنامه بودند به صورت خوشه‌ای طبقه‌ای انتخاب شدند؛ و بر این مبنای گروه مقایسه دانشجویانی که فاقد فعالیت فوق‌برنامه بودند نیز به همان روش انتخاب شدند. در این مطالعه جهت گردآوری داده‌ها، از پرسشنامه گرایش به تفکر انتقادی هرمنس که شامل: سه زیر مقیاس خلاقیت، بالیدگی و تعهد و پرسشنامه حل مسئله هینز که شامل: سه زیر مقیاس اعتماد به حل مسائل، سبک گرایش-اجتناب و کنترل شخصی بود، استفاده شد. جهت تحلیل داده‌ها از آزمون t مستقل استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد بین گرایش به تفکر انتقادی و

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی تحت عنوان « تأثیر شرکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه بر مهارت‌های حل مسئله، خلاقیت و گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان دانشگاه اراک در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ » می باشد که در دانشگاه اراک و با حمایت امور فرهنگی آن دانشگاه در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ اجرا شده است.

۲. استادیار گروه علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران، مسئول مکاتبه، پست الکترونیک:

M-bageri@araku.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، گروه علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران، پست

الکترونیک: Afsane.hamzehie@gmail.com

مهارت‌های حل مسئله دانشجویانی که دارای فعالیت‌های فوق برنامه هستند و دانشجویانی که فاقد این فعالیت‌ها هستند، اختلاف معناداری وجود دارد. در واقع فعالیت‌های فوق برنامه منجر به افزایش گرایش به تفکر انتقادی و مهارت‌های حل مسئله دانشجویان می‌شود. فعالیت‌های فوق برنامه از طریق شرکت دادن دانشجویان در انجام فعالیت‌های مختلف، افراد را وارد اجتماع می‌کند و به واسطه مواجهه کردن آنها با مسائل و مشکلات مختلف در عرصه‌های مختلف، منجر به افزایش توانایی حل مسئله و تقویت تفکر انتقادی آنها می‌شود. بنابراین پیشنهاد می‌شود، در مراکز آموزشی شرایطی را فراهم آورد که دانشجویان به سمت انجام فعالیت‌های فوق برنامه سوق پیدا کنند.

واژگان کلیدی: فعالیت‌های فوق برنامه، گرایش به تفکر انتقادی، مهارت حل مسئله

مقدمه و بیان مسئله

امروزه مقدار اطلاعات در دسترس از طریق رایانه و وسایل ارتباطی، از توانایی فرد در استفاده از اطلاعات پیشی گرفته است. دیگر مانند گذشته نمی‌توان اطلاعات از پیش تعیین شده را به فراگیران انتقال داد و انتظار داشت که آنان در محیط‌های کاری آینده خود موفق عمل کنند. با تغییرات سریع و پیچیده‌ای که در عرصه‌های مختلف علمی شاهد هستیم، روزه‌روز بر پیچیدگی جوامع انسانی افزوده می‌شود و در این میان نقش تعلیم و تربیت بیش از پیش اهمیت می‌یابد (افضل نیا، ۱۳۸۹).

با توجه به تغییرات ایجاد شده، صاحب نظران تربیتی و آموزشی معتقدند که بایستی تعلیم و تربیت زمینه‌های لازم، جهت مواجهه با تغییر در فراگیران ایجاد کند؛ و مهارت‌های لازم در این زمینه را در فراگیران تقویت کند. از جمله مهارت‌های مورد نیاز که امروزه بسیار تأکید می‌شود و مراکز آموزشی می‌بایست به تربیت و پرورش آن همت گمارند، مهارت‌های بالای تفکر مانند: تفکر انتقادی و حل مسئله است که جهت موفقیت در موقعیت‌های مختلف زندگی لازم و ضروری هستند (لیمن^۱، ۲۰۱۱).

هاشمیان نژاد (۱۳۸۰)، در تعریف تفکر انتقادی می‌گوید: تفکری است مستدل و منطقی به منظور بررسی و تجدیدنظر عقاید، نظرات، اعمال و تصمیم‌گیری درباره آنها بر مبنای دلایل و شواهد مؤید آنها و نتایج درست و منطقی که پیامد آنها است.

علاوه بر این در تمام طول تاریخ آموزش و پرورش مهارت حل مسئله نیز یکی از هدف‌های مهم آموزشی به شمار می‌آمده است. جان دیویی^۲، جروم برونر^۳، ژان پیاژه^۱ و لئو ویگوتسکی^۱ از جمله کسانی هستند که بر نقش فعالیت یادگیرنده در جریان حل مسئله بر دانش‌اندوزی تأکید داشته‌اند.

۱ . Lipman

۲ . John Dewey

۳ . Jerome Bruner

وقتی فراگیر با موقعیتی روبرو می شود که نمی تواند با استفاده از اطلاعات و مهارت هایی که در آن لحظه در اختیار دارد به آن موقعیت سریعاً پاسخ درست بدهد، یا وقتی که یادگیرنده هدفی دارد و هنوز راه رسیدن به آن را نیافته است، می گوئیم با یک مسئله روبرو است. با توجه به تعریف مسئله، می توان حل مسئله را به صورت تشخیص و کاربرد دانش و مهارت هایی که منجر به پاسخ درست یادگیرنده به موقعیت یا رسیدن او به هدف موردنظرش می شود، تعریف کرد (سیف، ۱۳۸۰). جهت پرورش مهارت های تفکر سطح بالا، مراکز آموزشی بایستی محیط هایی فراهم آورند و زمینه های لازم برای تفکر در مسائل ایجاد کنند. از جمله چنین موقعیت هایی که به نظر می رسد در مراکز آموزش عالی فراهم است، درگیر کردن دانشجویان در فعالیت های فوق برنامه است. فعالیت های فوق برنامه، فعالیت هایی قانونی هستند که جزئی از برنامه های مراکز آموزشی محسوب می شوند. این فعالیت ها به منظور حفظ انگیزه و ایجاد چالش در یادگیرنده، به منظور تجربه در فضای آزاد، درعین حال مرتبط با موضوعات درسی طراحی می شوند. دامنه ای که برای فعالیت های فوق برنامه در نظر گرفته می شود، از محیط مراکز آموزشی تا فضای بیرون از آن ها را شامل می شود. این گونه فعالیت های تربیتی را در مقابل فعالیت های برنامه ریزی شده رسمی، «فعالیت های فوق برنامه» یا فعالیت های غیررسمی می نامند. در واقع هدف از این فعالیت ها کمک به یادگیرنده است که بتواند رغبت های اصیل خویش را تشخیص دهد، استعداد های ذاتی خویش را کشف نماید؛ و در تربیت و توسعه ای آن ها به منظور تأمین سعادت شخصی و افزودن امکان شرکت در فعالیت های اجتماعی بکوشد (امام جمعه و دیگران، ۱۳۹۲).

بر این اساس سرمایه گذاری و برنامه ریزی جهت تقویت فعالیت های فوق برنامه و ترغیب یادگیرندگان برای شرکت در این فعالیت ها، می تواند منجر به ایجاد یا تقویت مهارت های تفکر سطح بالا در فراگیران شود. دانشجویان برای مقابله سازگاران با استرس ها، موقعیت های مختلف و تعارض های زندگی به کارکردهایی نیاز دارند، که آنان را در کسب این توانایی ها تجهیز کند. کارکردهایی نظیر شناخت ها، عواطف و رفتارها که در قالب ساختارهایی مثل عزت نفس، خودکارآمدی، حل مسئله و مهارت های اجتماعی تجلی می یابند که بسیار زیر بنایی هستند و در فرایند تحول شکل می گیرند.

بر همین اساس دانشجویان ما در حال حاضر نیاز دارند که یاد بگیرند تا بدانند چه می خواهند بگویند، چه می خواهند انجام دهند و در مواقع لزوم از چه کسی کمک بگیرند، یا اینکه چه راهکارهایی برای حل مشکلات خود به کار بگیرند. آن ها نیاز دارند اعتماد به نفس خود را افزایش بدهند و نگرش ها، ارزش ها و رفتارهایی را که مسئولیت پذیری و مشارکت آن ها را افزایش می دهد، کشف کنند و در طول زندگی از آن ها استفاده کنند.

۱ . Jean Piaget

۲ . Vygotsky

مطالعات نشان می‌دهند که دانش‌آموختگان در مقاطع مختلف تحصیلی از مهارت‌های زندگی پایین‌تری برخوردارند. یکی از پژوهش‌های انجام‌شده حاکی از آن است که دانش‌آموختگان در مهارت‌های تصمیم‌گیری، حل مسئله، تفکر خلاق، همدلی، خودشناسی، ایجاد روابط مؤثر با دیگران و مهارت اجتماعی با مشکلات زیادی روبه‌رو بوده و میانگین کسب‌شده در مهارت‌های فوق پایین بوده است. لذا آموزش این مهارت‌ها می‌تواند موجب ارتقای رشد شخصی و اجتماعی و پیشگیری از مشکلات روانی-اجتماعی شود (فرزام‌نیا، ۱۳۸۱).
بامطالعه در آموزش و پرورش دیگر کشورها مشاهده می‌شود، اکثر کشورهایی که آموزش و پرورش موفق دارند؛ با گسترش فعالیت‌های فوق‌برنامه کاستی‌های نظام آموزشی خود را تا اندازه‌ای جبران کرده و اوقات فراغت دانش‌آموزان را به بهترین وجه پر نموده‌اند (فتح‌آبادی، ۱۳۸۲).

مشارکت دادن دانش‌آموختگان در اداره امور اردوگاه‌ها، ایجاد رقابت سالم بین آن‌ها، پرورش روحیه همکاری و تعاون از طریق تشویق بازی‌ها و فعالیت‌های جمعی و پرورشی، مهارت‌های همزیستی صلح‌آمیز از طریق آموزش تحمل عقاید مخالف، از نقش برجسته فعالیت‌های غیررسمی اردوها در تربیت شهروندی است (اسفندیاری، ۱۳۸۷).

مجهاز ساختن دانشجویان به مهارت‌های تفکر انتقادی باعث می‌شود که آن‌ها به این موضوع آگاه شوند که اکتشافات و پیشرفت‌های علمی، به‌تنهایی نمی‌تواند جامعه را هدایت کند، بلکه این جامعه و افراد هستند که باید اکتشافات و پیشرفت‌های علمی را به بهترین وجه کنترل و هدایت کنند (فتحی‌آذر و دیگران، ۱۳۹۲).
تفکر انتقادی، دانشجویان را قادر می‌سازد تا به‌طور مؤثری، اطلاعاتی را که از طریق مطالعه کتاب، اینترنت و دانشگاه، درباره نظریه‌های رایج، معیارها یا استانداردهای موجود و روش‌های مورد استفاده به دست آورده‌اند، ارزیابی و سازماندهی کنند و به میزان صحت، ارزشمندی و اعتبار آن‌ها، از طریق روش استدلالی پی ببرند و به این ترتیب آن‌ها را در تصرف خود درآورند (اطهری و دیگران، ۱۳۸۸).

در نتیجه انجام پژوهش‌هایی که تأثیر فعالیت‌های فوق‌برنامه بر مهارت‌های زندگی از جمله: پرورش تفکر انتقادی، مهارت‌های حل مسئله و پیشرفت تحصیلی در محیط‌های آموزش عالی را مورد بررسی قرار دهد، بسیار ضروری است. چراکه سیاست‌مداران و مسئولین آموزش عالی با آگاهی از نتایج این پژوهش‌ها به ارزشمندی و اهمیت گنجاندن فعالیت‌های فوق‌برنامه و غیررسمی در برنامه‌های آموزشی پی می‌برند و سیاست‌هایی جهت تدارک این فعالیت‌ها در نظام آموزشی، به‌ویژه در نظام آموزش عالی اعمال می‌کنند. علی‌رغم وجود چنین ضرورتی، تحقیقات چندانی در زمینه بررسی تأثیر فعالیت‌های فوق‌برنامه روی ایجاد و گسترش توانایی حل مسئله و تفکر انتقادی صورت نگرفته است و این خلاء پژوهشی به وضوح مشاهده شد، بنابراین هدف پژوهش

حاضر بررسی تأثیر فعالیت های فوق برنامه بر گرایش به تفکر انتقادی و مهارت های حل مسئله دانشجویان است. بر این اساس فرضیات این مطالعه عبارتند از:

۱. بین گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان دارای فعالیت های فوق برنامه و فاقد فعالیت های فوق برنامه تفاوت معنادار وجود دارد.

۲. بین مهارت حل مسئله دانشجویان دارای فعالیت های فوق برنامه و فاقد فعالیت های فوق برنامه تفاوت معنادار وجود دارد.

ادبیات پژوهش

در بررسی و تحلیل پیشینه پژوهشی، تأثیر فعالیت های فوق برنامه بر تفکر انتقادی و توانایی حل مسئله دانشجویان به این نتیجه دست یافته شد، که غالب مطالعات صورت گرفته در این زمینه، در مدارس روی دانش آموزان انجام شده است که از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره نمود:

مارش^۱ (۱۹۹۲)، در پژوهش خود دانش آموزانی را که در فعالیت های فوق برنامه شرکت نداشتند، با آنهایی که شرکت داشتند و فعال بودند مقایسه کرد و نتیجه گرفت؛ تأثیر مشارکت در سطح اجتماعی و آموزشی چشمگیر است و بدون تردید مشارکت در فعالیت های فوق برنامه، افراد را به سمت افزایش مسئولیت پذیری و سازگاری- اجتماعی سوق می دهد.

در مطالعه دیگری نیل^۲ (۱۹۹۵)، نتیجه گرفت که انواع گوناگونی از فعالیت های فوق برنامه باعث به وجود آمدن تغییراتی در توانایی های دانش آموزان می شود و میزان ترک تحصیل را کاهش می دهد.

نتایج پژوهش های محققان سایر کشورها نیز نشان دهنده مطلوبیت فعالیت های فوق برنامه است؛ به عنوان نمونه وودز^۳ (۲۰۰۷)، معتقد است اگر مسئولان می خواهند فعالیت های تحصیلی دانش آموزان نتیجه داشته باشد، باید از فعالیت های فوق برنامه نیز استفاده کنند. شولروف^۴، تومن و تولی^۵ (۲۰۰۸)، بر تأثیر مثبت فعالیت فوق برنامه بر عملکرد دانش آموزان، بلوم فیلد و باربر^۶ (۲۰۰۹)، بر اصلاح خودیاری، چامبرز و اسکریبر^۷ (۲۰۰۴)، بر دستاوردهای آموزشی، بتز و ردکی^۸ (۲۰۰۴)، بر جنبه های درمانی در نتایج تحقیقات خود تأکید داشته اند.

۱ . Marsh

۲ . Neal

۳ . woods

۴ . Shulruf

۵ . Tumen & Tolley

۶ . Barber & Blomfield

۷ . Chambers & Schreiber

۸ . Redcay & Betz

بریتھوپت^۱ (۱۹۹۶)، بر نتایج متعدد آن از جمله: احساس لذت از کنار هم بودن، ایجاد اعتماد به نفس، ایجاد روحیه جمعی، رفاقت، بهبود عملکرد در مدرسه، بهبود مهارت‌ها، شناخت بیشتر، حل مشکلات و اخذ تصمیمات مدیریتی تأکید می‌کند.

پژوهش‌های اخیر نشان داده است مشارکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه با زمینه‌هایی چون کاهش احتمال ترک تحصیل در مدرسه به‌خصوص در سال‌های دبیرستان، کاهش میزان مصرف مواد مخدر و جرائم، افزایش رقابت‌های بین فردی و خودنگاره مثبت و معدل بالا و تعامل با مدرسه، مشارکت فعال در روند سیاسی و دیگر فعالیت‌های داوطلبانه، سلامت و بهداشت روان در بزرگسالی مرتبط است (پکینز^۲، ۲۰۰۸).

فعالیت‌های فوق‌برنامه در تقویت ابعاد جسمی، عاطفی، اجتماعی، علمی، زیبایی‌شناختی و معنوی کودکان نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند (آدامز و شئا^۳، ۲۰۰۸).

نگیا^۴ (۲۰۱۷)، در مطالعه‌ای، توسعه مهارت‌های پایه از طریق فعالیت‌های فوق‌برنامه را بین ۶۶ نفر از مدیران و معلمان دانشگاه‌های ویتنام مورد بررسی قرار داد. از جمله مهارت‌های مورد بررسی که تحت عنوان مهارت‌های پایه در این مطالعه بدان اشاره شده است؛ مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مساله است. بر اساس یافته‌ها، نتیجه‌گیری شده است که از طریق فعالیت‌های فوق‌برنامه، دانشجویان با مسائل دنیای واقعی درگیر می‌شوند.

اسکارینسی و پیرس^۵ (۲۰۱۲)، مطالعه‌ای بر روی ۳۲۶ دانشجوی کارشناسی انجام دادند. آنها دریافتند که شرکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه و به‌خصوص اردوهای علمی و تفریحی می‌تواند تأثیر بسیار بالایی بر مهارت‌های دانشجویان داشته باشد.

شون فلد و کتک (۲۰۱۳) و تس^۶ (۲۰۱۰)، معتقدند، شرکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه می‌تواند مهارت‌های تفکر نقادانه و حل مساله را تقویت کند، افرادی که این مهارت‌ها را دارند، در یافتن شغل می‌توانند موفق‌تر باشند؛ همچنین توانایی خلق زمینه‌های شغلی را دارا هستند. از این حیث ایجاد زمینه جهت شرکت دانشجویان در فعالیت‌های فوق‌برنامه می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد و بسیاری از اهداف عالی مراکز آموزشی را محقق سازد.

روش شناسی پژوهش

طرح تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی از نوع علی - مقایسه‌ای است. جامعه آماری این مطالعه شامل تمامی دانشجویان دانشکده‌های علوم انسانی، فنی و مهندسی، علوم پایه و کشاورزی دانشگاه اراک بود.

۱ . Breithaupt

۲ . Pkins

۳ . Adams and Shea

۴ . Nghia

۵ . Scarinci & Pearce

۶ . Tse

تعداد ۷۲۰۰ نفر در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ در دانشگاه اراک شاغل به تحصیل بودند. نمونه تحقیق از جامعه مورد نظر به صورت طبقه‌ای هدفمند انتخاب شد.

از آنجایی که هدف این مطالعه مقایسه گرایش به تفکر انتقادی و حل مسئله در دو گروه دانشجویان دارای فعالیت فوق برنامه و بدون فعالیت فوق برنامه بود، با مراجعه به سوابق دانشجویان از طریق امور فرهنگی دانشگاه، تعداد ۱۰۰ نفر از دانشجویان به صورت خوشه‌ای طبقه‌ای انتخاب شدند، که به طور مستمر دارای فعالیت‌های فوق برنامه بودند، این دانشجویان افرادی بودند که در انجمن‌های علمی- دانشجویی، کانون‌های فرهنگی، بسیج دانشجویی و سایر تشکل‌های دانشجویی فعالیت می‌کردند. در این مطالعه بر اساس اطلاعاتی که از گروه اول بدست آمد، مبنای انتخاب گروه مقایسه مشخص شد. سعی بر آن شد که دانشجویان هر دو گروه از نظر رشته تحصیلی، معدل، سال ورودی و... با یکدیگر مشابه باشند. تعداد ۱۰۰ نفر نیز از دانشجویانی که فاقد فعالیت‌های فوق برنامه بودند به همان روش انتخاب شدند. پرسشنامه‌ها در میان هر دو گروه توزیع شد. از میان ۲۰۰ نفر، ۱۸۹ نفر به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند؛ که ۸۹ نفر دارای فعالیت فوق برنامه و ۸۹ نفر فاقد آن بودند.

ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه گرایش به تفکر انتقادی ریکتس^۱ (۲۰۰۳) و پرسشنامه حل مسئله هپنر و پترسن^۲ (۱۹۸۲) بود. پرسشنامه گرایش به تفکر انتقادی (ریکتس^۳، ۲۰۰۳) یک ابزار خود گزارشی است که میزان تمایل به تفکر نقادانه را می‌سنجد. تفکر انتقادی، تفکری است با استفاده از راهبردها یا مهارت‌های شناختی که احتمال دستیابی به بازده مطلوب را بالا می‌برد. این پرسشنامه دارای ۳۳ عبارت و ۳ زیر مقیاس: خلاقیت (۱۱ عبارت)، بالیدگی (۹ عبارت) و تعهد (۱۳ عبارت) است. این مقیاس پس از آنکه مور، رود و پنفلد (۲۰۰۳) به نتایج متفاوت و مهمی درباره پرسشنامه گرایش به تفکر نقادانه کالیفرنیا (CCTDI) دست یافتند، طراحی شد. ریکتس سعی کرد یک مقیاس کوتاه‌تر، تأثیرگذارتر و پایاتر تهیه کند، پرسشنامه گرایش به تفکر انتقادی بر اساس مقیاس تفکر انتقادی فاسیون^۴ (۱۹۹۰) ساخته شده است. آزمودنی باید در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (از شدیداً مخالفم = ۱ تا شدیداً موافقم = ۵) میزان مخالفت یا موافقت خود با هر یک از عبارات را مشخص کند. ریکتس (۲۰۰۳) به منظور هنجاریابی پرسشنامه گرایش به تفکر انتقادی، آن را روی ۶۰ نفر از دانشجویان سال دوم رشته کشاورزی اجرا کرد. ضریب پایایی زیر، مقیاس‌ها بدین شرح گزارش شد: زیر مقیاس خلاقیت = ۰/۷۵، زیر مقیاس بالیدگی = ۰/۵۷ و زیر مقیاس تعهد = ۰/۸۶.

- ۱ . Ricketts
- ۲ . Heppner & Peterson
- ۳ . Ricketts
- ۴ . Fusion

گروهی از اساتید اعتبار صوری این مقیاس را تأیید کردند. به علاوه از آنجایی که این مقیاس بر مبنای کار اصلی فاسیون (۱۹۹۰) تهیه شده، روایی سازه آن نیز تأیید می‌کند. پرسشنامه حل مسئله توسط هیپنر و پترسن (۱۹۸۲) برای سنجش درک پاسخ‌دهنده از رفتارهای حل مسئله‌شان تهیه شده است. psi ۳۵ ماده دارد که برای اندازه‌گیری چگونگی واکنش افراد به مسائل روزانه‌شان طراحی شده است. ۳ عبارت از پرسشنامه برای اهداف پژوهشی است و نمره‌گذاری واکنش افراد به مسائل روزانه‌شان طراحی شده است. به تفاهم رسیدن با دوستان، احساس افسردگی، انتخاب شغل، یا تصمیم به طلاق گرفتن است. (PSI) در واقع مهارت‌های حل مسئله را اندازه‌گیری نمی‌کند، بلکه آگاهی از سبک یا توانایی‌های حل مسئله شخص را اندازه‌گیری می‌کند.

در این پژوهش از آمار توصیفی و استنباطی جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. آمار توصیفی شامل: میانگین، انحراف معیار و نمودار است. همچنین جهت تحلیل داده‌ها به صورت استنباطی، از آزمون T مستقل استفاده شد. تمامی تحلیل‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ انجام شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش، به صورت توصیفی و تحلیلی ارائه گردیده است. در گزارش حاضر ابتدا به منظور بدست آوردن دید کلی از داده‌ها، داده‌های توصیفی ارائه شده است و سپس یافته‌های حاصل از آزمون تی مستقل به تفکیک فرضیه‌ها ارائه شده است.

۱. بین گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان دارای فعالیت‌های فوق برنامه و فاقد فعالیت‌های فوق برنامه تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول شماره ۱: داده‌های توصیفی تفکر انتقادی و زیر مقیاس‌های آن

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار
تفکر انتقادی	دارای فعالیت فوق برنامه	۱۲۸/۱۶۸	۴/۶۷۴
	بدون فعالیت فوق برنامه	۱۱۸/۱۳۴	۱۱/۶۴۴
خلاقیت	دارای فعالیت فوق برنامه	۴۴/۰۰۰	۲/۳۶۹
	بدون فعالیت فوق برنامه	۴۱/۷۹۷	۵/۷۸۶
بالیدگی (کمال)	دارای فعالیت فوق برنامه	۳۲/۹۵۵	۲/۲۶۰
	بدون فعالیت فوق برنامه	۲۸/۷۶۴	۴/۶۱۷
تعهد	دارای فعالیت فوق برنامه	۵۱/۲۱۳	۲/۷۴۸
	بدون فعالیت فوق برنامه	۴۷/۵۷۳	۶/۲۹۰

° . Heppner & Peterson

با توجه به جدول شماره (۱) میانگین گروه‌های دارای فعالیت فوق‌برنامه نسبت به گروه‌های بدون فعالیت فوق-برنامه در تفکر انتقادی و زیر مقیاس‌های خلاقیت، بالیدگی (کمال) و تعهد بیشتر است.

جدول شماره ۲: نتایج آزمون ناپارامتریک من-ویتی تفکر انتقادی و زیر مقیاس‌های آن

آزمون	تفکر انتقادی	مقیاس خلاقیت	مقیاس بالیدگی (کمال)	مقیاس تعهد
آزمون من-ویتی	۱۷۸۱/۵۰۰	۳۱۷۲/۵۰۰	۱۵۳۹/۵۰۰	۲۳۹۵/۵۰۰
آزمون ویلکاکسن	۵۷۸۶/۵۰۰	۷۱۷۷/۵۰۰	۵۵۴۴/۵۰۰	۶۴۰۰/۵۰۰
Z	-۶/۳۴۵	-۲/۳۰۳	-۷/۰۸۹	-۴/۵۶۷
سطح معناداری (sig. ۲-tailed)	/۰۰۰	/۰۲۱	/۰۰۰	/۰۰۰

پس از بررسی داده‌های توصیفی با استفاده از آزمون کلموگروف.اسمیرنوف، ناپارامتریک بودن داده‌ها مشخص شد. بر همین اساس برای مقایسه میانگین‌ها از آزمون ناپارامتریک من-ویتی که یک آزمون مقایسه‌ای برای مقایسه دو گروه مستقل است و معادل آزمون دو نمونه مستقل t است، داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. با توجه به جدول شماره ۲ برای متغیر تفکر انتقادی مقدار آزمون من-ویتی ۱۷۸۱/۵۰۰، آزمون ویلکاکسن ۵۷۸۶/۵۰۰، مقدار Z -۶/۳۴۵ و سطح معنی‌داری /۰۰۰ گزارش شد. با توجه به اینکه مقدار آزمون من-ویتی در سطح /۰۰۰ معنی‌دار است، لذا نتیجه گرفته می‌شود که فعالیت‌های فوق‌برنامه روی تفکر انتقادی دانشجویان تاثیر مثبت دارد و فرضیه پژوهش تایید می‌شود. علاوه بر این با توجه به مقدار آزمون من-ویتی (۳۱۷۲/۵۰۰، ۱۵۳۹/۵۰۰ و ۲۳۹۵/۵۰۰) و سطح معناداری /۰۲۱ و /۰۰۰، به ترتیب در زیر مقیاس‌های خلاقیت، بالیدگی (کمال) و تعهد، نتیجه گرفته می‌شود که در این زیر مقیاس‌ها نیز، بین دو گروه دارای فعالیت فوق‌برنامه و بدون فعالیت فوق‌برنامه اختلاف معنادار وجود دارد، لذا فرضیه پژوهش تایید می‌شود. ۱. بین مهارت حل مسئله دانشجویان دارای فعالیت‌های فوق‌برنامه و فاقد فعالیت‌های فوق‌برنامه تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول شماره ۳: داده‌های توصیفی مهارت حل مسئله

مهارت حل مسئله	متغیر		تعداد	میانگین	انحراف معیار
	دارای فعالیت فوق برنامه	بدون فعالیت فوق برنامه			
مهارت حل مسئله	دارای فعالیت فوق برنامه	بدون فعالیت فوق برنامه	۸۹	۹۳/۵۶	۸/۴۸۲
	دارای فعالیت فوق برنامه	بدون فعالیت فوق برنامه	۸۹	۱۰۹/۲۳	۱۲/۳۴۶
اعتماد به حل مسائل	دارای فعالیت فوق برنامه		۸۹	۲۴/۸۶	۴/۵۱۸

۵/۴۱۶	۳۰/۵۵	۸۹	بدون فعالیت فوق برنامه	
۴/۷۳۷	۴۳/۸۲	۸۹	دارای فعالیت فوق برنامه	سبک گرایش - اجتناب
۷/۲۹۱	۵۰/۷۱	۸۹	بدون فعالیت فوق برنامه	
۳/۴۴۴	۱۳/۵۶	۸۹	دارای فعالیت فوق برنامه	کنترل شخصی
۴/۲۸۷	۱۸/۴۱	۸۹	بدون فعالیت فوق برنامه	

با توجه به جدول شماره ۳ میانگین و انحراف معیار مهارت حل مسئله و زیر مقیاس‌های آن در گروه‌های دارای فعالیت فوق برنامه از گروه‌های بدون فعالیت فوق برنامه کمتر است که بر اساس تفسیر پرسشنامه، توانایی حل مسئله بیشتر را در گروه دارای فعالیت فوق برنامه نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴: نتایج آزمون تی مستقل مهارت حل مسئله و زیرمقیاس‌های آن

سطح معناداری	درجه آزادی	تی مستقل	اختلاف میانگین	مهارت حل مسئله
/۰۰۰	۱۵۵/۹۴۰	-۹/۸۷۱	-۱۵/۶۷۴	
/۰۰۰	۱۷۶	-۷/۶۰۴	-۵/۶۸۵	اعتماد به حل مسائل
/۰۰۰	۱۵۱/۰۶۷	-۷/۴۸۵	-۶/۸۹۸	سبک گرایش - اجتناب
/۰۰۰	۱۷۶	-۸/۳۲۷	-۴/۸۵۳	کنترل شخصی

پس از بررسی داده‌های توصیفی با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف، نرمال بودن داده‌ها مشخص شد. سپس نتایج با استفاده از آزمون آماری تی مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. با توجه به جدول شماره ۴، اختلاف میانگین دانشجویان دارای فعالیت فوق برنامه و بدون فعالیت فوق برنامه در مهارت حل مسئله $-۱۵/۶۷۴$ بود. مقدار تی مستقل $-۹/۸۷۱$ و سطح معناداری $۰/۰۰۰$ گزارش شد ($p < ۰/۰۰۵$). با توجه به اینکه مقدار تی در سطح $۰/۰۰۰$ معنی‌دار است، لذا نتیجه گرفته می‌شود که فعالیت‌های فوق برنامه روی مهارت‌های حل مسئله تاثیر مثبت دارد و فرضیه پژوهش تایید می‌شود. علاوه بر این، با توجه به اختلاف میانگین ($-۵/۶۸۵$ ، $-۶/۸۹۸$ و $-۴/۸۵۳$)، مقدار تی مستقل ($-۷/۶۰۴$ ، $-۷/۴۸۵$ و $-۸/۳۲۷$) و سطح معناداری $۰/۰۰۰$ ، به ترتیب در هر یک از زیر مقیاس‌های اعتماد به حل مسائل، سبک گرایش - اجتناب و کنترل شخصی، نتیجه گرفته می‌شود که در این زیر مقیاس‌ها نیز بین دو گروه دارای فعالیت فوق برنامه و بدون فعالیت فوق برنامه اختلاف معنادار وجود دارد، لذا فرضیه پژوهش تایید می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

این مطالعه با هدف بررسی تاثیر شرکت در فعالیتهای فوق برنامه بر گرایش به تفکر انتقادی و مهارتهای حل مسئله دانشجویان صورت گرفت. نتایج مطالعه نشان داد که فعالیتهای فوق برنامه بر گرایش به تفکر انتقادی با زیرمقیاسهای خلاقیت، بالیدگی (کمال)، تعهد و مهارتهای حل مسئله با زیرمقیاسهای اعتماد به حل مسائل، سبک گرایش - اجتناب، کنترل شخصی، تاثیر مثبت داشته است؛ و در هر یک از این مولفهها بین دو گروه دارای فعالیت فوق برنامه و بدون فعالیت فوق برنامه تفاوت معناداری وجود دارد. در رابطه با مطالعات همسو و ناهمسو، مطالعاتی در داخل کشور یافت نشد که فعالیتهای فوق برنامه را در رابطه با متغیرهایی چون حل مسئله و تفکر انتقادی مورد بررسی قرار دهد؛ و می توان گفت علی رغم اینکه تاکید بسیاری بر فعالیتهای فوق برنامه در مدارس و دانشگاهها می شود و هر ساله هزینههای هنگفتی صرف فعالیتهایی تحت عنوان فعالیتهای فرهنگی می شود، سوابق پژوهشی در این زمینه بسیار اندک است. با این حال پس از بررسیهایی که در مطالعات خارج از کشور صورت گرفت، مطالعاتی یافت شد که می تواند یافتههای این مطالعه را حمایت کنند.

نتایج این مطالعه با نتایج نگیا^۱ (۲۰۱۷)، همخوان است. وی در مطالعه خود با عنوان توسعه مهارتهای پایه از طریق فعالیتهای فوق برنامه پرداخت. مطالعه وی از نوعی مطالعات کیفی بود که در آن از مدیران و معلمان دانشگاههای ویتنام، مصاحبه به عمل آمد. در این مطالعه ۶۶ نفر در مصاحبه شرکت کردند. از جمله مهارتهای مورد بررسی که تحت عنوان مهارتهای پایه در این مطالعه بدان اشاره شده است، مهارتهای تفکر انتقادی و حل مساله است. بر اساس یافتهها نتیجه گیری شده است که از طریق فعالیتهای فوق برنامه دانشجویان با مسائل دنیای واقعی درگیر می شوند. آنها برای حل مسائل فرضیه سازی می کنند، ایده ها و راه حل های خود را به اجرا می گذارند؛ و در عمل نتایج افکار خود را می ببینند. همچنین از آنجایی که فعالیتهای فوق برنامه به شکل گروهی انجام می شوند، آن چیزی که در فرایند فعالیتهای گروهی رخ می دهد، مباحثه میان اعضاء است. مباحثه و مولفه های آن، چون شنیدن، گوش فرادادن به نظرات مختلف و پذیرش نظرات متفاوت می تواند مهارتهای تفکر انتقادی در افراد که لازمه زندگی در دنیای امروزی است، را در افراد بهبود ببخشد.

در مطالعه دیگری که توسط دانکان^۲ (۲۰۱۲) انجام شده است، تاکید می شود که فعالیتهای فوق برنامه، می تواند مهارتهای ضروری را در افراد تقویت کند. در این مطالعه ۱۲۲ نفر شرکت داشتند. پرسشنامه ای بین شرکت کنندگان توزیع شد و از آنها در رابطه با میزان شرکت در فعالیتهای فوق برنامه و رابطه آن با مهارتهای

۱ . Nghia

۲ . Duncan

ارتباطی، حل مسئله، تفکر و... سوالاتی پرسیده شد. نتایج این مطالعه نیز، بر تاثیرات مثبت فعالیت‌های فوق‌برنامه اشاره دارد. از نظر شرکت‌کنندگان در مطالعه؛ شرکت در کلاس‌های دانشگاه آنها را از لحاظ مفاهیم نظری آماده می‌کند، ولی فعالیت‌های فوق‌برنامه باعث می‌شود که آنها درگیر موقعیت‌های عملی شوند و دانش نظری خود را در آن موقعیت‌ها بکارگیرند.

شون فلد و کتک (۲۰۱۳)، تس^۱ (۲۰۱۰) معتقدند شرکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه، می‌تواند مهارت‌های تفکر نقادانه و حل مسئله را تقویت کند، افرادی که این مهارت‌ها را دارند؛ در یافتن شغل می‌توانند موفق‌تر باشند، همچنین توانایی خلق زمینه‌های شغلی را دارا هستند. از این حیث ایجاد زمینه جهت شرکت دانشجویان در فعالیت‌های فوق‌برنامه می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد و بسیاری از اهداف عالی مراکز آموزشی را محقق سازد. فعالیت‌های فوق‌برنامه، از طریق مشارکت دادن دانشجویان در اداره امور اردوگاه‌ها، ایجاد رقابت سالم بین آنها، تشویق به شرکت در فعالیت‌های جمعی و برگزاری جلسات بحث و مناظره دانشجویی و... در افزایش تفکر-انتقادی دانشجویان نقش موثری ایفا می‌کند. اسکارینسی و پیرس^۲ (۲۰۱۲)، مطالعه‌ای بر روی ۳۲۶ دانشجوی کارشناسی انجام دادند. آنها دریافتند که شرکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه به خصوص اردوهای علمی و تفریحی می‌تواند تاثیر بسیار بالایی بر مهارت‌های دانشجویان داشته باشد. در موقعیت‌هایی که مسئولیت برگزاری سفر علمی به عهده دانشجویان گذاشته می‌شود، در واقع آنها در برابر یک موقعیت مسئله مدار قرار می‌گیرند که بایستی برنامه‌ریزی و پیش‌بینی‌های لازم را داشته باشند، این فعالیت‌ها می‌تواند آنها را زندگی در دنیای در حال تغییر که نیازمند انسان متفکر است، آماده کند. با توجه به تنوعی که در فعالیت‌های فوق‌برنامه هست، از جمله: برگزاری همایش، کارگاه‌های آموزشی، چاپ نشریه، کرسی‌های آزاد اندیشی و مباحثه، به نظر می‌رسد موقعیتی-هایی فراهم می‌آید که به صورت چندجانبه بسیاری از مهارت‌های ضروری می‌تواند در دانشجویان تقویت شود. انجام فعالیت‌های فوق‌برنامه، علیرغم تمامی مزایایی که در این تحقیق و تحقیقات دیگر بدان اشاره شد؛ همواره در عمل با محدودیت‌هایی مواجه‌اند. از جمله مهمترین این محدودیت‌ها، مشخص نبودن سازوکار مراکز آموزشی در قبال این گونه فعالیت‌هاست. به عبارت دیگر معمولاً درجه پیشرفت افراد در مراکز آموزشی، در گروه اخذ امتیازاتی است که فرد در دروس مختلف کسب می‌کند. این امتیازات در کارنامه پیشرفت تحصیلی فرد قید می‌شود و در آینده در بسیاری از موقعیت‌های شغلی معیار مهمی قلمداد می‌شود. ولی شرکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه علیرغم اختصاص وقت و تمرکز بسیار و آثار ارزشمند آنها عمدتاً نادیده گرفته می‌شود. ال انصاری^۳ و همکاران (۲۰۱۶)، از جمله مهمترین دلایلی که افراد علاقمند به شرکت در فعالیت‌های فوق

۱ . Tse

۲ . Scarinci & Pearce

۳ . Al-Ansari

برنامه نیستند، عدم دریافت امتیازات مستقیم از این گونه فعالیت ها می دانند. بنابراین یکی از توصیه های مهمی که در بسیاری از مطالعات که به موضوع فعالیت های فوق برنامه پرداخته اند، این هست که امتیازات مستقیم شرکت در فعالیت های فوق برنامه توسط مراکز آموزشی برای افراد شرکت کننده در نظر گرفته شود. تران^۱ (۲۰۱۵)، بحث می کند که چگونه در ابتدا ممکن است تشکل های دانشجویی با شور و علاقه دانشجویان شکل بگیرد، ولی به دلیل عدم امتیازات تعریف شده در قبال انجام اینگونه فعالیت ها از طرف مراکز آموزشی، توجه و علاقه دانشجویان روز به روز کمرنگ تر می شود.

همان گونه که پیشتر نیز اشاره شد، مطالعات در زمینه فعالیت های فوق برنامه در کشور کمتر مورد توجه قرار گرفته است، پیشنهاد می شود که دست اندرکاران در سطوح آموزش و پرورش و آموزش عالی توجه ویژه ای به این مهم داشته باشند و هر ساله بودجه ای اختصاصی، جهت پژوهش در این رابطه در نظر گرفته شود. از جمله پیشنهادات دیگر این پژوهش علاوه بر بررسی تاثیر شرکت در فعالیت های فوق برنامه بر سایر متغیرهای تاثیرگذار که در زیرعنوان مهارت های زندگی می توانند بگنجانند؛ توجه به نقش جنسیت در فعالیت های فوق برنامه است که مطالعات دیگر می توانند بدان بپردازند.

شرکت در فعالیت های فوق برنامه، می تواند به یک فرهنگ آموزشی خصوصاً در مدارس تبدیل شود؛ و در آینده در دانشگاه ها نیز تداوم یابد. می توان با برگزاری سمینارها، همایش ها، کارگاه های آموزشی و... در این رابطه به نقش و اهمیت این فعالیت ها در ایجاد مهارت های ضروری پرداخت. آنچه بیش از پیش می تواند تاثیرگذار باشد، اتخاذ سیاست درست در رابطه با فعالیت های فوق برنامه است که در سطوح عالی تصمیم گیری آموزش و پرورش و آموزش عالی، می تواند مورد توجه قرار گیرد. از جمله پیشنهاداتی که می تواند زمینه ساز تشویق دانشجویان برای حضور در فعالیت های فوق برنامه شود، می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

— تدارک اردوهای بازدید از نمایشگاه های دستاوردها و نوآوری های دانشجویان دانشگاه های دیگر

— فراهم سازی امکان همکاری نهادهای فعال در دانشگاه در بخش فعالیت های فوق برنامه با نهاد آموزش و

پرورش

— برگزاری نمایشگاه دستاوردها و نوآوری های دانشجویان

— برگزاری مسابقات ساخت کلیپ های کوتاه آموزشی با موضوعات مختلف، طراحی وب، بروشور، ساخت

ماکت و تولید کتابچه های آموزشی همراه با تقدیر از برترین ها

— شناسایی و حمایت از دانشجویان مستعد در رشته های مختلف و کمک به آنها جهت شرکت و کسب موفقیت

در عرصه های ملی و بین المللی

نظر سنجی مستمر از دانشجویان، اساتید و مسئولین در رابطه با کیفیت فعالیت‌های فوق‌برنامه در طول سال تحصیلی و پایان سال، جهت آگاهی از علایق و نیازهای به روز دانشجویان
_ کاهش هزینه شرکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه را تا حد امکان .

منابع

- _ افضل نیا، محمدرضا (۱۳۸۹)، آشنایی با مراکز و مواد آموزشی. تهران: انتشارات سمت.
- _ امام‌جمعه، محمدرضا؛ احمدی، غلامعلی؛ تیمورنیا، مهین (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی فعالیت‌های فوق‌برنامه دوره ابتدایی ایران با کشورهای آمریکا، انگلستان و مالزی. مجله علمی - پژوهشی «پژوهش‌های برنامه درسی»، ۳(۱)، ۱۷-۶۵.
- _ اسفندیاری، توران (۱۳۸۷)، عوامل و زمینه‌های مؤثر در آموزش‌های غیررسمی شهروندی. مجموعه مقالات اولین همایش آموزش و یادگیری غیررسمی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- _ اطهری، زینب؛ شریف، مصطفی؛ نعمت‌بخش، مهدی؛ بابا محمدی، حسن (۱۳۸۸)، ارزیابی مهارت‌های تفکر انتقادی و ارتباط آن با رتبه آزمون سراسری ورود به دانشگاه در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. مجله ایرانی آموزش در علوم پایه.
- _ سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۰)، روان‌شناسی پرورشی (روان‌شناسی یادگیری و آموزش). ویرایش پنجم. تهران: آگاه.
- _ فرزاد نیا، مجتبی (۱۳۸۱)، بررسی و شناسایی نقش عوامل درون‌سازمانی در کسب مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان دوره متوسطه استان گلستان. طرح پژوهشی.
- _ فتح‌آبادی، محمداقبر (۱۳۸۲)، ضرورت و چگونگی ایجاد فعالیت‌های فوق‌برنامه از دیدگاه دانش‌آموزان و اولیاء و مربیان دوره متوسطه شهرستان‌های استان مرکزی در سال تحصیلی ۸۲-۸۱ طرح پژوهشی، شورای تحقیقات سازمان آ.ب. استان مرکزی.
- _ فتحی آذر، اسکندر؛ بیراحی، منصور؛ بدری گرگری، رحیم؛ آتشی، حسین (۱۳۹۲)، بررسی روند گرایش به تفکر انتقادی در دانشجویان دانشگاه افسری امام علی (ع). فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت نظامی، ۱۳(۴۹)، ۴۲-۱۱.
- _ هاشمیان نژاد، فریده (۱۳۸۰)، ارائه چهارچوب نظری در خصوص برنامه درسی مبتنی بر تفکر انتقادی در دوره ابتدایی با تأکید بر برنامه درسی مطالعات اجتماعی. رساله دکتری چاپ‌نشده. دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران.

_Adams, G. Natalie. Mary Shea, Christine. (۲۰۰۸) Learning to Teach A Critical Approach to Field Experiences, New Jersey London: PUBLISHERS Mahwah.

_Al-Ansari, A., Al-Harbi, F., AbdelAziz, W., AbdelSalam, M., El Tantawi, M. M., & ElRefae, I. (۲۰۱۶), Factors affecting student participation in extra-curricular activities: A

comparison between two Middle Eastern dental schools. The Saudi Dental Journal, ۲۸(۱), ۳۶-۴۳

_Breithaupt, Charles. E. (۱۹۹۶), A study of the relationship between students' perceptions and characteristics and their participation in extracurricular activities in high school, The university of Texas at Austin.

_Betz. Cecily. L, Betz Gay, Redcay .(۲۰۰۴), An exploratory study of future plans and extracurricular activities of transition-age youth and young adults. Issues in comprehensive pediatric nursing, ۲۸-۱, ۳۳-۶۱.

_Blomfield. Corey. J, Barber. Bonnie, L. (۲۰۰۹), Brief report: performing on the stage, the field, or both? Australian adolescent extracurricular activity participation and self-concept. Journal of adolescence ۳۲.

_Bensley, Alan, D. (۱۹۹۷), Critical thinking in psychology. International Thomson publishing company. Ennis, Robert. (۱۹۸۷) Integrating critical thinking skill into the classroom. College student Journal. VOL ۴۱, ۳۲۶-۳۵۳.

_Duncan, Dennis. W. (۲۰۱۲), The Influence of Extra-Curricular Activities on Undergraduate Students' Communication Competencies. Thesis, Tennessee Technological University

_Chambers. Elisna. A, Schreiber. James. B, Girls. (۲۰۰۴), academic achievement: varying associations of extracurricular activities, Gender and Education, Vol. ۱۶, No.۳, September ۲۰۰۴.

_Lipman, Matthew (۲۰۱۱), Entrepreneurship in Education. Cambridge mass cambridge university press.

_March, H (۱۹۹۲). Extracurricular Activities: Beneficial Extension of the Traditional Curriculum or Subversion of Academic Goals? Journal of Educational Psychology, ۸۴(۴), ۵۵۳-۵۶۲.

_MC, Neal, R (۱۹۹۵), Extracurricular Activities & High School. propouts Sociology of Education. Vol: ۶۸, Issue (۱), ۶۲۸۱.

_Nghia, T. (۲۰۱۷), Developing generic skills for students via extra-curricular activities in Vietnamese universities: Practices and influential factors. Journal of Teaching and Learning for Graduate Employability, ۸(۱), ۲۲-۳۹

_Pkings Sim, Sandra. (۲۰۰۸), Non-School CurriCulum Supporting Positive Development Through Structured Activities. SAGE Publication.

_Scarinci, J., & Pearce, P. (۲۰۱۲), The perceived influence of travel experiences on learning generic skills. Tourism Management, ۳۳(۲), ۳۸۰-۳۸۶. doi: ۱۰.۱۰۱۶/j.tourman.۲۰۱۱.۰۴.۰۰۷

_Shulruf. Boaz, Tumen. Sarah, Tolley. Hilary. (۲۰۰۸), Extracurricular activities in school, do they matter? children, and youth services review ۳۰. Children and Youth Services Review, ۳۰(۴), ۴۱۸-۴۲۶.

[_http://dx.doi.org/10.1016/j.chilyouth.2007.10.012](http://dx.doi.org/10.1016/j.chilyouth.2007.10.012)

_Tran, T. T. (۲۰۱۵) , Is graduate employability the ‘whole-of-higher-education-issue’? *Journal of Education and Work*, ۲۸(۳), ۲۰۷-۲۲۷. doi:10.1080/13639080.2014.900167

_Tse, T. S. (۲۰۱۰), What do hospitality students find important about internships? *Journal of Teaching in Travel & Tourism*. ۱۰(۳), ۲۵۱-۲۶۴. doi:10.1080/153132210.03792027

_Woods, Jackie. R.(۲۰۰۷), An investigation of two-year community college students’ involvement in extracurricular activities. Phd thesis, Auburn, Albama University